

## گونه‌شناسی قرائت منسوب به معصومین علیهم‌السلام\*

محسن خوش‌فر\*\* و مرتضی یعقوب‌خانی\*\*\* و لیلا اکرادلو\*\*\*\*

### چکیده

قرائت قرآنی یکی از پرسمان‌های مهم علوم قرآنی و از پیش نیازهای تفسیر قرآن کریم است. به گونه‌ای که پذیرفتن یا نپذیرفتن این پیش‌نیاز در تفسیر قرآن کریم تأثیر مستقیم دارد. در منابع تفسیری و حدیثی شیعه و عامه قرائت خاصی برای معصومین علیهم‌السلام گزارش شده است. تقریباً تعداد ۳۵۴ مورد در منابع عامه و تعداد ۱۴۵ مورد تنها در کتاب مجمع البیان بیانگر بسامدی این نقل‌ها است. نگاشته حاضر با روش تحلیل نقلی و عقلی و با تکنیک گونه‌شناسی است و با گزارش آماری از منابع تفسیری و حدیثی شیعه و عامه و براساس گونه‌شناسی لفظی، سندی، تطبیقی بر قرائت مشهور و معنا بخشی این روایات سعی دارد در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان قرائت منقول از معصومین علیهم‌السلام را تحلیل کرد، برآید. تعداد قابل توجهی از این قرائت به علت ویژگی‌های خط عربی، مسند و مستقل نبودن این قرائت پدید آمده‌اند. در مواردی نیز این قرائت معنا بخش نیستند.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، معصومین، علوم قرآن، گونه‌شناسی، حدیث.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰.

\*\* دکتری تخصصی تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: mohsenkhoshfar@yahoo.com

\*\*\* سطح چهار حوزه علمیه (نویسنده مسئول): mortezaqy@gmail.com

\*\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد: lilaekradlo63@gmail.com

## مقدمه

قرائت‌های قرآنی از موضوعات تاثیرگذار در علومى مانند: تفسير قرآن، دانش كلام و فقه هستند. قرائت كلمه «يطهرن» در آيه ۲۲۲ سوره بقره و اعراب كلمه جلاله «الله» در آيه‌هاى ۱۶۴ و ۲۴ سوره‌هاى نساء و فاطر از موارد اين تاثيرگذاري است. هم‌چنين اختلاف قرائت قرآن كريم در پديد آمدن و گسترش دانش‌هاى ادبى بى‌تاثير نبوده است.

جامعه مسلمانان از سده‌هاى نخست در شهرهاى مهمى هم‌چون مکه، مدینه، کوفه و شهرهاى ديگر به صورت جدى با پديده‌اى به نام اختلاف قرائت قرآن كريم مواجه شد که هر شهر بر اساس قارى خود، قرآن كريم را تلاوت يا تفسير مى‌نمود. از آثار اين اختلاف به وجود آمدن قاريان هفت‌گانه و ده‌گانه است. سه دسته روايت با توجه به اين پديده از معصومين عليهم السلام نقل شده است. پذيرفتن يا نپذيرفتن اين روايات سبب پيدايش مبنا در علوم قرآن و تفسير قرآن شده است و يکى از آثار آشکار اين مبنا جواز قرائت معصومين عليهم السلام در نماز است. آن سه دسته روايات عبارتند از: توحيد قرائت. (کلينى، کافى، ۱۴۰۷: ۱/۲، ۶۳۰)، حجيت قراء مشهور (همان: ۶۳۳/۲) و قرائت مستقل از معصومين عليهم السلام.

در پذيرفتن قرائات منقول از معصومين عليهم السلام بين ديده‌گاه شيعه و اهل سنت تفاوت مهمى وجود دارد. اهل سنت اصل اختلاف قرائات را پذيرفته‌اند و به بررسى لوازم ادبى و کلامى هر يک از قرائات مى‌پردازند. اما شيعه فارغ از اين که قرائات سبعة را پذيرد يا خير به اين قرائات‌ها به منزله حديث مى‌نگرد و در صورت پذيرش آن آثار قرائت هر آيه را بايد پذيرد.

نگاشته حاضر با روش تحليل نقلى و عقلى تنها به تحليل انتقادى دسته سوم از آن روايات مى‌پردازد. و در مقام اثبات توحيد قرائات يا حجيت بخشى به قرائات مشهور نيست. هم‌چنين هدف آن پاسخ به اين پرسش است که چگونه و با چه سازوکار روشمندی مى‌توان اين قرائات را تحليل نمود؟ اين پژوهش در مقام اثبات اين فرضيه است که تحليل انتقادى به اين قرائات، وابسته به دسته‌بندي و تحليل هر قرائت براساس هر دسته از اين قرائات است. صرفاً با تحليل سندی نمى‌توان اين دسته از قرائات را تحليل نمود.

در ارتباط با تحليل قرائات منسوب به معصومين عليهم السلام کتاب‌ها و مقاله‌هاى نگاشته شده است. به عنوان نمونه مى‌توان به کتاب معالم المدرستين نوشته علامه عسکرى (۱۳۸۶ ش)، التمهيد جلد دوم نوشته آيت الله معرفت (۱۳۸۵ ش) و مقاله قرائات منسوب به اهل بيت عليهم السلام (۱۳۹۳ ش) اشاره کرد. بدون ترديد تلاش‌هاى بسيارى در تحليل انتقادى مسأله قرائات منسوب به معصومين عليهم السلام انجام شده است اما اين آثار با انگيزه دسته‌بندي نگاشته نشده است؛ در حالى که روش دسته بندي مى‌تواند تحليل واقع گرايانه و همه جانبه نسبت به اين مسأله داشته باشد.

## مفهوم‌شناسی قرائت

واژه قرائت مصدر و از ریشه «قرء» اصل صحیحی است که دلالت بر جمع و اجتماع دارد. (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۳۹۹: ماده قرء) معنای اصطلاحی آن میان دانشمندان علوم قرآن متفاوت است که در ادامه به سه تعریف اشاره می‌شود. تعریف ابن جزری (۷۴۱ق): قرائت، علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت است؛ اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است. (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۱۹: ۳) برپایه این تعریف، کلمه روایت، نقل و اسناد از اجزای معتبر در تعریف قرائت است.

تعریف زرکشی (۷۹۴ق): قرائت، عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است. این اختلاف در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن‌ها، از قبیل تخفیف و تشریع و امثال آن از سوی قرء است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱/۳۱۹).

تعریف علامه طباطبائی (۱۳۶۰ش): فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد (طباطبائی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۱۰۹). بر پایه تعاریف ذکر شده، قرائت دانشی مربوط به نحوه تلفظ قرآن کریم و توجه به سند آن است.

اختلاف قرائت و تحریف قرآن دو مسأله جدای از هم هستند. زیرا عوامل پیدایش هر یک متفاوت از دیگری است. از عوامل به وجود آمدن قرائت قرآنی خط عربی، لهجه‌ها و اجتهاد قراء است. اختلاف قرائت با حفظ مفهوم اصلی کلام وجود دارد و عوامل عارضی مانند: حرکت و اعراب یا اضافه و کم شدن حرف در معنا تغییر اساسی ایجاد نمی‌کند. اما در تحریف قرآن تعدد در نقصان و فزونی و تأثیر معنایی همراه است (معرفت، التمهید، ۱۳۸۶: ۲/۹). تفاوت دیگر این که اختلاف قرائت از سوی برخی از عالمان پذیرفته شده است اما تحریف مورد انکار قرار گرفته است.

۱۲۹

قرائت با قرآن تفاوت دارد. زیرا قرآن از طریق تواتر از آغاز نزول تاکنون به دست ما رسیده است و هیچ‌وقت دست‌خوش تغییر در الفاظ نشده است. اما قرائت، گزارش‌ها و اخبار واحدی هستند که نمی‌توانند تواتر را مخدوش نمایند (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱/۳۱۹؛ ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۱/۳۰؛ ابو شامه، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۷۸؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۱۷۹)

### قرائات منسوب به معصومین

تعداد قرائات معصومین (علیهم السلام) در منابع اسلامی با تفاوت‌های زیادی مشاهده می‌شود به گونه‌ای که در کتاب مجمع البیان این قرائات ۱۴۵ مورد گزارش شده است (بیگدلی، قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۳: ۸۳). اما در کتاب معجم القرائات این تعداد به ۳۵۵ مورد رسیده است. از این تعداد ۲۲۴ نقل از امام علی (علیه السلام)، یک نقل از فاطمه زهراء (علیها السلام)، هشت نقل از امام حسن (علیه السلام)، هفت نقل از امام حسین (علیه السلام)، ۲۱ نقل از امام سجاد (علیه السلام)، ۳۱ نقل از امام باقر (علیه السلام)، ۳۴ نقل از امام صادق (علیه السلام) می‌باشد (رک: احمد مختار، معجم القرائات: ۱۴۰۸: ج ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸؛ شینی میرزا، قرائات اهل بیت (علیهم السلام): ۱۳۸۴: ۱۱۱).

قرائات منقول از معصومین (علیهم السلام) از جمله مسائل چند تباری است. زیرا به اعتبار نقل کلام معصومین (علیهم السلام) از دانش حدیث است. و نیز به اعتبار این که از اصول موضوعه در دانش تفسیر است از مسایل دانش تفسیر محسوب می‌شود (رک: بابائی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۸: ۶۴). هم‌چنین به لحاظ ارتباط مستقیم با مباحث علم القراءه از دانش علوم قرآن است (رک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۶/۲).

مسأله پذیرفتن یا نپذیرفتن قرائات منقول از معصومین ارتباطی به تفکر اخباری‌گری یا اصولی ندارد. زیرا شیخ حرعاملی (۱۱۰۴ هـ) با این که از عالمانی است که تفکر اخباری‌گری دارد اما قرائت قرآن را در نماز براساس قرائت منسوب به معصومین (علیهم السلام) نمی‌پذیرد: واجب است در نماز و در غیر نماز به قرائت هفت‌گانه‌ای که با تواتر به دست ما رسیده است قرائت کرد. و نمی‌توان با قرائت شاذ یا قرائت‌های روایت شده از معصومین (علیهم السلام) قرائت نمود (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۶/۱۶۲) این مسأله نشان می‌دهد که قرائات گزارش شده از معصومین (علیهم السلام) در میان مکتب اخباری‌گری که از مبانی اصلی آن پذیرش روایات با صرف نظر از سند، نیز جایگاهی ندارد (همان، ۲۵۲/۳۰).

### گونه‌شناسی قرائات معصومین

۱۳۰

تکنیک گونه‌شناسی ((Typology به عنوان یکی از روش‌های شناخته شده برای شناخت اجزا، ابعاد و اطراف یک پدیده و تمیز و تفکیک پدیده‌ها از یک‌دیگر و جلوگیری از تعمیم‌های ناروا مطرح است. در تعریف گونه‌شناسی بیان شده است که گونه‌شناسی طبقه‌بندی روشمند پدیده‌هایی است که به یک خانواده و مجموعه وابسته هستند و در مقایسه و نسبت‌سنجی با دیگر اعضای این مجموعه، در یک یا چند ویژگی یا رفتار، وجه مشترک دارند و در وجوه دیگر

از هم متفاوت هستند. و هم‌چنین مشخص ساختن همین اشتراک‌ها و افتراق‌ها براساس یک معیار خاص عینی یا ذهنی. فرآیند قرار دادن پدیده‌ها در گونه‌های مختلف را گونه‌بندی و گاه طبقه‌بندی می‌خوانند (ر.ک: نیک‌گهر، مبانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناسی، ۱۳۶۹: ۹۲).

بر اساس تعریف و توضیح گونه‌شناسی، در قرائات ماثور نیز با طبقه‌بندی بر اساس سند یا ویژگی لفظی تمام قرائات به روایات قرائات نقل شده از معصومین (علیهم‌السلام) وابسته و منتسب می‌شود. هم‌چنین ویژگی‌های هر دسته بیان و تفاوت‌ها مشخص می‌شود.

قرائات منقول از معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان یک پدیده و مسأله باید مانند مسائل دیگر بررسی شود و تحلیل براساس گونه‌شناسی می‌تواند دریچه‌ای برای فهم و تحلیل بهتر فراهم نماید. طبقه‌بندی‌های وجوه مشترک در قرائات مانند طبقه‌بندی براساس تطبیق بر قرائت‌های هفت‌گانه یا معنا بخش بودن در میان قرائت‌ها می‌تواند محقق را به این مسأله رهنمون کند که در مواجهه با قرائات منسوب به معصومین (علیهم‌السلام) به روش سندی اکتفا نکرده و به اعتبارهای گوناگون، قرائات را دسته‌بندی و براساس ویژگی‌های هر دسته و طبقه تحلیل مخصوص آن طبقه بیان شود. براساس این روش ممکن است یک روایت را بتوان از طریق معنا بخش نبودن تحلیل نمود و نیازی به بحث سندی نباشد.

در موضوع اختلاف قرائت از منظرها و اعتبارهای گوناگون می‌توان به چهار دسته‌بندی و گونه‌شناسی تقسیم کرد.

### ۱. گونه‌های قرائات بر اساس ویژگی‌های لفظی

اختلاف قرائت به معنی عام و بدون توجه به مصدر و قاری آن به عواملی وابسته است. شناخت این عوامل در تحلیل و گونه‌شناسی این قرائات می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. این عوامل عبارتند از: ابتدایی بودن خط عربی، خالی بودن کلمات از نقطه، نداشتن علائم و حرکات، نوشتن الف در کلمات، گوناگونی لهجه‌ها، استبداد در رای قاریان، خودستایی در ادبیات عرب، عوامل نفسانی، خطای نگارشی، درآمیختگی تفسیر با متن قرآن، اهداف سیاسی، دیدگاه‌های کلامی و ضعف قاری در ادبیات عرب (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۱۵/۲).

منشا بسیاری از اختلاف‌ها در قرائت قرآن رسم الخط ابتدایی در شبه جزیره عرب بوده است. رسم الخط عربی در آغاز نزول قرآن و پس از آن مستعد این اختلاف‌ها بوده است. ابتدایی بودن رسم الخط در پیدایش قرائت‌های هفت‌گانه و ده‌گانه و قرائت‌های شاذ تاثیرگذار بوده است. قرائات نقل شده از معصومین (علیهم‌السلام) نیز از این مشکل مستثنی نبوده‌اند.

اختلاف در قرائت منسوب به معصومین (علیهم السلام) در ۱۹۶ مورد مربوط به حرکت، ۵۵ مورد مربوط به حرف الف، ۱۳ مورد مربوط به حرف همزه، ۳۷ مورد مربوط به نقطه گذاری و ۹ مورد مربوط به کیفیت قرائت است که در ادامه به صورت آمار، گزارش تفصیلی ارائه می شود. این سخن در برخی از قرائت ها این احتمال تقویت می شود که اختلاف قرائت به علت رسم الخط عربی است. و امکان اشتباه شنوندگان یا کاتبان قرائت ها وجود دارد.

اختلاف قرائت با منشا اعراب: حمد/ ۵، ۷؛ بقره/ ۲۰، ۵۱، ۵۶، ۱۹۶، ۱۴۶، ۲۳۷، ۲۸۰؛ آل عمران/ ۱۰، ۱۴۶؛ نساء/ ۱۱، ۱۱، ۹، ۹۴، ۱۲۸؛ مائده/ ۱۰۷؛ انعام/ ۹۹، ۱۴۵؛ اعراف/ ۵۷، ۱۶۳، ۱۶۵؛ انفال/ ۳۵، ۵۹؛ توبه/ ۱۹، ۱۹، ۶۱؛ هود/ ۱۷، ۴۶، ۹۵؛ یوسف/ ۸، ۱۲، ۲۳، ۴۹؛ رعد/ ۴، ۴۳؛ ابراهیم/ ۳۴، ۳۷، ۴۱، ۴۶، ۵۰؛ اسراء/ ۱۲، ۱۶، ۸۰، ۱۰۲؛ کهف/ ۵۱، ۱۰۲، ۱۰۲؛ مریم/ ۷۲، ۷۹، ۸۹؛ طه/ ۹۷؛ حج/ ۵، ۲۷، ۴۰، ۵۵، ۶۶؛ نور/ ۵۱، ۵۸؛ فرقان/ ۱۸، ۲۰، ۲۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸؛ نمل/ ۱۳؛ عنکبوت/ ۱۲، ۱۷، ۵۷، ۵۸؛ روم/ ۲، ۳، ۴۸، ۱۲؛ سجده/ ۱۰؛ سبا/ ۱۹، ۲۰؛ فاطر/ ۱۰، ۳۵؛ غافر/ ۴۶؛ زخرف/ ۵۶، ۵۷، ۸۶؛ دخان/ ۴۹؛ احقاف/ ۲۵؛ محمد/ ۴، ۲۲، ۲۴؛ ق/ ۳۸، ۳۹؛ طور/ ۱۳؛ نجم/ ۱۲؛ الرحمن/ ۵۶؛ واقعه/ ۸۹؛ حشر/ ۷، ۱۴، ۲۳، ۲۴؛ ممتحنه/ ۱۲؛ تغابن/ ۱۱؛ تحریم/ ۳؛ ملک/ ۱۱، ۲۹؛ معارج/ ۴۳؛ قیامت/ ۱۰، ۲۰؛ انسان/ ۱۶، ۲۰؛ عبس/ ۶، ۱۰؛ تکویر/ ۱۲؛ غاشیه/ ۱۰، ۱۸، ۱۷؛ فجر/ ۲۵؛ بلد/ ۶، ۱۵؛ لیل/ ۳؛ شرح/ ۷؛ زلزال/ ۷، ۸؛ تکاثر/ ۶، ۷؛ همزه/ ۹، ۱.

اختلاف قرائت با منشا تشدید حرف: بقره/ ۶۱، ۲۸۵؛ نساء/ ۲۹؛ انعام/ ۳۳؛ توبه/ ۱۱۱؛ کهف/ ۷۹؛ انبیاء/ ۸۷؛ نور/ ۳۵؛ عنکبوت/ ۴؛ لقمان/ ۲۲؛ سبا/ ۲؛ یس/ ۳۲، ۵۲؛ صافات/ ۹، ۱۲؛ ص/ ۵؛ فتح/ ۹؛ حدید/ ۴؛ نوح/ ۲۸؛ قیامت/ ۲۱؛ مرسلات/ ۲۳، ۲۸، ۳۵؛ اعلیٰ/ ۳؛ لیل/ ۱۸؛ ماعون/ ۲.

اختلاف قرائت با منشا نقطه گذاری: انعام/ ۵۷؛ اعراف/ ۱۴۸؛ توبه/ ۷۸، ۱۰۸، ۱۰۴؛ یونس/ ۶۶، ۹۲؛ هود/ ۸۷؛ یوسف/ ۱۲، ۳۰، ۴۸؛ ابراهیم/ ۴۵؛ نحل/ ۴۱؛ اسراء/ ۷؛ مریم/ ۵، ۳۴، ۷۲؛ انبیاء/ ۱۱۲؛ نور/ ۲، ۲۲؛ فرقان/ ۳۶، ۴۸؛ روم/ ۱۲؛ سجده/ ۲۶؛ احزاب/ ۳۷؛ یس/ ۵۲؛ ص/ ۲۹؛ زخرف/ ۳۶، ۵۲؛ احقاف/ ۱۹؛ محمد/ ۳۱؛ قمر/ ۲۶؛ حاقه/ ۱۸؛ مزمل/ ۷.

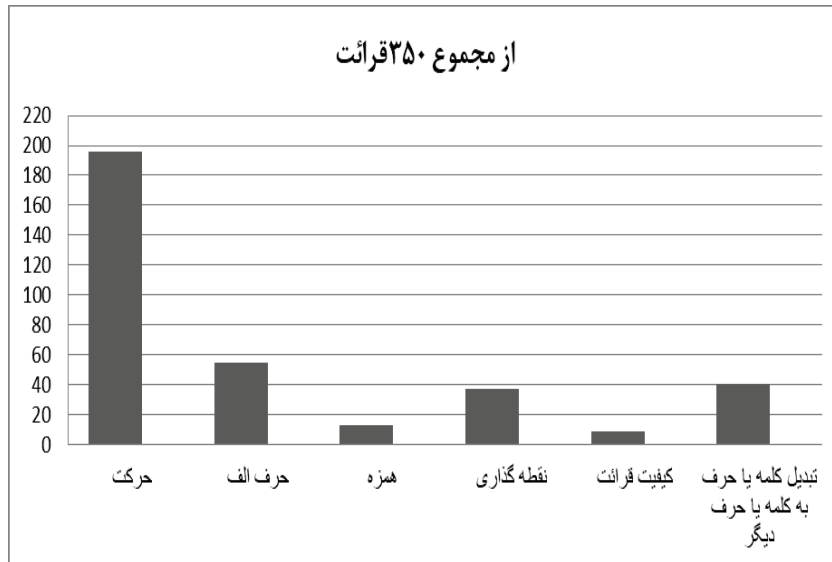
اختلاف قرائت با منشا همزه/ ۴ مورد در آیه ۲۳ سوره یوسف؛ رعد/ ۳۱؛ کهف/ ۸۶؛ فرقان/ ۴۰؛ احزاب/ ۱۴؛ زخرف/ ۱۹؛ تکویر/ ۸؛ تین/ ۲؛ قدر/ ۴.

اختلاف قرائت با منشا کیفیت تلفظ: حمد/۶، ۵؛ بقره/۴۹؛ انعام/۸۶؛ هود/۴۲؛ اسراء/۱۶؛ انبیاء/۴۷؛ صافات/۱۳۰؛ تکویر/۸.

اختلاف قرائت با منشا الف/ بقره/۲۳۷، ۲۳۸، ۲۷۹؛ آل عمران/۲؛ نساء/۴۶؛ مائده/۸۹؛ انعام/۱۰۵، ۱۳۷؛ اعراف/۲۶، ۱۴۶؛ انفال/۲۵، ۱۱۸؛ هود/۲۸، ۴۲، ۴۳؛ یوسف/۴۸؛ رعد/۳۵؛ ابراهیم/۴۱، اسراء/۵، ۱۰۶؛ کهف/۱۸، ۱۹، ۷۷، ۸۶؛ انبیاء/۹۵؛ حج/۵۴؛ روم/۱۵۷؛ احزاب/۳۷؛ یس/۳۸، صافات/۱۰۳؛ احقاف/۴، ۱۵؛ محمد/۱۵، ۳۵؛ حجرات/۱۰؛ الرحمن/۴۴؛ مجادله/۱۱، ۲۲؛ نوح/۲۰؛ انسان/۱۲؛ نازعات/۱۱؛ مطفین/۲۶؛ انشقاق/۱۲؛ همزه/۴.

اختلاف قرائت با منشا تبدیل کلمه به کلمه دیگر: حمد/۷؛ نساء/۱۷۲؛ مائده/۶۰؛ انعام/۱۴۱، ۱۶۲؛ هود/۵، ۵؛ رعد/۱۴؛ نحل/۹، ۹؛ اسراء/۷، ۲۳؛ مریم/۶؛ طه/۱۵؛ انبیاء/۹۸؛ حج/۳۶؛ نور/۳۳؛ فرقان/۷۴؛ روم/۲۷؛ یس/۳۰؛ صافات/۱۴۷؛ ص/۴۸؛ زخرف/۱۳، ۷۷، ۸۴؛ ق/۳۰؛ نجم/۱۵؛ قمر/۱۲؛ واقعه/۲۹، ۸۲؛ جمعه/۹؛ طلاق/۱؛ عبس/۲۶؛ اعلیٰ/۱؛ بلد/۱۵؛ لیل/۳؛ لیل/۱۱؛ عصر/۲، ۱.

اختلاف قرائت با منشا حذف حرف: انفال: ۱، فرقان: ۲۱.



## ۲. گونه‌شناسی براساس سند قرائات

تحلیل سندی یکی از روش‌های پذیرفته شده در میان دانشمندان شیعه و برخی از عامه است. که در تحلیل یک روایات، بررسی سندی آن نقش تعیین کننده‌ای در پذیرش یا رد آن دارد. قرائات منقول از معصوم علیه السلام به اعتبار این که سخن معصوم علیه السلام را گزارش می‌کند مانند روایت هستند. بر این اساس معیارها و ضوابط پذیرش در روایات را نیز در این قرائات باید ملاحظه کرد. یکی از مهم‌ترین این ضوابط، وثاقت سندی روایت است که در تمام سلسله سند، افراد ثقه قرار گرفته باشند (طباطبائی، منطق فهم حدیث، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

قرائات نقل شده از معصومین علیهم السلام در یک دسته‌بندی به دو گونه تقسیم می‌شوند. گونه اول - قرائات مسند و این گونه به دو بخش مسند صحیح و ضعیف تقسیم می‌شود. گونه دوم - قرائات غیر مسند است. قرائت مسند به قرائتی اطلاق می‌شود که سند آن از اول تا آخر متصل باشد و یک نفر از سلسله سند آن نیفتاده باشد. قرائت صحیح به روایتی اطلاق می‌شود که گزارش‌گران آن امامی و عادل باشند (مظفری، الفوائد الرجالیه: ۱۴۰۵: ۵۵).

### - گونه‌شناسی قرائات به اعتبار مسند بودن

#### یک - قرائات مسند صحیح

در این بخش به روایاتی می‌پردازیم که از نظر سلسله سند از صحت برخوردارند. و تمام گزارش‌گران آن مورد اعتماد هستند. به گونه‌ای که می‌توان از جهت سند به آن‌ها اعتماد کرد. به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می‌شود:

«محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر ابن سويد، عن محمد بن أبي حمزة، عن يعقوب بن شعيب، عن عمران بن میثم، عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «قرأ رجل على أمير المؤمنين علیه السلام: فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآياتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ فقال: بلى والله لقد كذبوه أشد التّكذيب، و لكنها مخففة: لا يكذبونك، ای لا يأتون بباطل يكذبون به حقا».

کلینی به امام علی و امام صادق علیهم السلام نسبت داده است که ایشان کلمه «لا يكذبونك» در آیه ۳۳ سوره مبارکه انعام را بدون تشدید ذال قرائت می‌کردند: «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآياتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ»؛ «به یقین، می‌دانیم که آن چه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند؛ این روایات از جهت سندی صحیح است» (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۰۰).



طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۷: ۴/ ۴۵۴؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶: ۲/ ۴۱۴؛ شبر، تفسیر القرآن الکریم، ۱۵۳؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۴/ ۱۲۹؛ حائری تهرانی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ۱۳۷۷: ۴/ ۱۶۰؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۶/ ۴۱۴).

توصیف سلسله سند این روایت به این شرح است: محمد بن یحیی العطار، نجاشی و علامه حلی از او به عنوان بزرگ اصحاب و ثقه یاد کرده‌اند (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۳؛ حلی، رجال ابن داود، ۱۴۰۷: ۱۵۷)؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری، شیخ طوسی و نجاشی از او به عنوان شیخ قم و بزرگ و صاحب ارج منزلت یاد کرده‌اند. (طوسی، رجال، ۱۴۲۷: ۶۱؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۰۷: ۸۳). الحسین بن سعید اهوازی، شیخ طوسی او را توثیق کرده است (طوسی، رجال ۱۳۶۴: ۱۴۹). النضر ابن سوید سیرافی، نجاشی با صحیح السند از او یاد کرده و او را توثیق نموده است (نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۷). محمد بن ابی حمزة ثمالی: کشی او را توثیق کرده است (کشی، رجال کشی، ۱۴۹۰: ۲۰۳). یعقوب بن شعیب بن میثم تمار علامه حلی و مرحوم نجاشی او را توثیق نموده‌اند (حلی، رجال ابن داود، ۱۴۰۷: ۴۵۰؛ رجال النجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۶). عمران بن میثم تمار: علامه حلی و مرحوم نجاشی او را توثیق نموده‌اند (حلی، رجال ابن داود، ۱۴۰۶: ۱۲۵؛ نجاشی، رجال النجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۲).

گزارش‌های مسند و صحیح از جهت آمار، شمارش قابل توجه ندارد در منابع ۱۳ روایت مسند صحیح وجود دارد: حمد/ ۷؛ بقره/ ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۳۸، ۲۵۵؛ مائده/ ۹۵؛ انعام/ ۳۳، ۱۱۵؛ توبه/ ۴۰؛ نور/ ۵۸؛ حجر/ ۴۱؛ سبأ/ ۱۴؛ لیل/ ۱۲.

## دو - قرائات مسند ضعیف

در میان قرائات نقل شده حجم زیادی از این قرائات، دارای اشکال‌های سندی هستند. به عنوان نمونه به ذکر یک روایت اشاره می‌شود. «عن داود بن فرقد قال سمعت أبا عبد الله (علیه السلام) یقرأ ما لا أحصى ملک یوم الدین» از معصومین (علیهم السلام) در ذیل آیه چهار سوره مبارکه حمد «مَالِكِ یَوْمِ الدِّینِ» نقل شده است که از کلمه «ملک» استفاده کرده‌اند (شبر، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۲: ۳۹؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۱۰: ۱۸/ ۳۳۸؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۱/ ۵۳؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۶: ۱/ ۵۱؛ ابن عاشور، التحریر و التوسیر، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۷۳؛ آبیاری، الموسوعة القرآنیة، ۱۴۰۵: ۵/ ۴۴؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۱/ ۶۸؛ حفص بن عمر، جزء فیہ قرائات النبی (علیه السلام)، بی تا: ۵۲).

در این قرائت پنج نقل بیان شده است که تمامی این پنج نقل، مرسل هستند و بین ناقل و معصوم علیه السلام یا واسطه‌ای وجود ندارد یا این که فقط یک واسطه وجود دارد. برخی از این نقل‌ها مانند تفسیر شبر و التحریر و التنویر برای قرن‌های ۱۴ و ۱۳ هستند. و برخی از تفاسیر مانند: تفسیر عیاشی و المحرر الوجیز در قرن ۴ و ۶ هستند. فاصله زمانی آنان تا امام صادق علیه السلام نیز زیاد است. به این جهت فاقد حجیت می‌باشند.

### سه - قرائات غیر مسند

معجم القرائات با ۳۵۵ گزارش و مجمع البیان با ۱۴۵ گزارش، بیش‌ترین گزارش‌ها از قرائت‌های معصومین علیهم السلام را در خود جای داده‌اند. هر دو کتاب تمام نقل‌های خود را بدون سند ذکر کرده‌اند. تمام نقل‌های کتاب معجم القرائات از منابع عامه است. کتاب مجمع البیان تمام نقل‌های خود را بدون سند ذکر کرده است.

انتساب چند قرائت به یک معصوم علیه السلام یکی از اشکال‌های قابل توجه در قرائات منسوب به معصومین علیهم السلام است که منجر به عدم اعتبار آن قرائت می‌شود. به امام علی علیه السلام نسبت داده شده است که ایشان کلمه «فدمرناهم» در آیه ۳۶ سوره فرقان را پنج شکل «فدمراهم»، «فدمرناهم»، «فدمرناهم»، «فدمرناهم» قرائت کرده‌اند. از این موارد می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: حج/ ۴۰ (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵۱۷/۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵۱/۳)؛

سجده/ ۱۰ (زمخشری، کشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۵۰۹/۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵۱۱/۸؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۲: ۴/۴۳۹؛ شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۴؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۳۶۰/۴)؛

نحل/ ۹ (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۳۸۱/۳؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۱۸۰/۳)؛

اسراء/ ۷ (نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱: ۲۲۶/۲)؛

هود/ ۴۲ (زمخشری، کشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۳۹/۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۴/۴۹۵؛ عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۳۶۹/۲)؛

یوسف/ ۲۳ (شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۲۱/۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۳۹/۵)؛

زخرف/ ۱۹ (زمخشری، کشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۳/۳۸۳)؛  
 احقاف/ ۴ (زمخشری، کشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۵۱۵)؛  
 مطففین/ ۲۶ (زمخشری، کشاف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۴/۲۳۳)؛  
 عصر/ ۲ (اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲/۵۴۷)؛  
 همزه/ ۴ (شوکانی، فتح القدر، ۱۴۱۴: ۵/۶۰۳).

هر قرائت یک روایت است. در صورتی که دو قرائت در یک آیه از جهت مدلول با یکدیگر تفاوت داشته باشند و هر قرائت یک گزارشی را بیان کند. براساس برخی از مبانی دانش اصول فقه هر دو روایت اگر مرجحی نداشته باشند از حجیت ساقط می‌شوند و به هیچ‌کدام نمی‌توان اعتنا کرد (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، بی‌تا: ۴۲۹).

### ۳. گونه‌شناسی براساس تطبیق بر قرائات سبعة

قرائت قرآن از موضوعات مهم میان دانشمندان علوم اسلامی است که یکی از قواعد تفسیری و اولین گام برای فهم آیات قرآن شمرده می‌شود (بابایی، روش شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۸: ۶۴). به گونه‌ای که پذیرش یا عدم پذیرش آن می‌تواند در مفاهیم دینی تاثیرگذار باشد. به عنوان نمونه، اهل کوفه که بر اساس قرائت ابن مسعود و اهل بصره بر اساس قرائت ابو موسی اشعری و اهل شام نیز بر اساس قرائت ابی ابن کعب قرائت می‌کردند و بر اساس آن تحلیل می‌کردند. قرائات به لحاظ تعداد قراء و تواتر در نقل آن‌ها در علوم قرآن دارای تقسیم بندی‌های متفاوت است: قرائات سبعة، قرائات عشره، قرائات شاذ و قرائت مرویه را می‌توان از جمله این تقسیم بندی معرفی نمود (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۱/۷۵). قرائات سبعة به جهت شهرت میان دانشمندان اسلامی مورد توجه بوده است. برخی قرائت را به متواتر و آحاد تقسیم نموده و قرائت متواتر را تنها قرائات سبعة می‌دانند (همان).

قرائات هفت‌گانه اصطلاح علوم قرآنی است که توسط ابن مجاهد (۳۲۴ ق) بیان شده است. این تقسیم‌بندی و جعل اصطلاح هیچ ارتباطی به روایت پیامبر ﷺ که فرمودند قرآن بر هفت حرف نازل شده است (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۰۰: ۶/۲۲۷؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ۱۴۱۵: ۵/۱۲۷) ندارد و صرفاً یک تطبیق غیر ارادی بوده است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱/۳۰۵؛ ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۳۹۵: ۱۴۶؛ سیوطی، الاقتراح فی اصول النحو، ۱۳۵۵: ۱/۱۴۵). در منابع اهل سنت تا چهل احتمال در مورد روایت پیامبر ﷺ ذکر شده است. البته این روایت نزد شیعه پذیرفته نیست و روایات شیعه آن را مردود دانسته است (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۳۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۶: ۲/۷۶).

اصطلاح قرائات سبعة عبارتند از هفت قاری به نام‌های ذیل:  
 عبدالله بن عامر دمشقی (۱۱۸ق)؛ عبدالله بن کثیر مکی (۱۲۰ق)؛ عاصم بن ابی النجود  
 (۱۲۷ق)؛ زبّان بن علاء ابوعمر و بصری (۱۵۴ق)؛ حمزه بن حبيب کوفی (۱۵۶ق)؛ نافع بن  
 عبدالرحمن مدنی (۱۶۹ق)؛ کسائی، علی بن حمزه (۱۸۹ق).

قرائت‌های هفت‌گانه و ده‌گانه از طریق تواتر به دست ما رسیده است، اما خود این قرائت‌ها  
 خبر واحد می‌باشند و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. و نیز این قرائات حاصل اجتهاد قاریان است.  
 حمزه یکی از قاریان هفت‌گانه در آیه شریفه ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ﴾ (نساء/۱)؛  
 «از خدایی که به [نام] او از هم‌دیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان».  
 مَبْرُی؛ کلمه الارحام را مجرور قرائت نموده است زیرا براساس مکتب کوفه می‌تواند حرف  
 جر «باء» تکرار نشود (بلاغی، آلاء الرحمان، بی تا: ۳۰/۱؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن،  
 ۱۳۸۶: ۳۰/۲؛ ابن جنی، الخصائص، ۱۹۹۹: ۲۹۳/۱؛ ابن عصفور، شرح جمل الزجاجی،  
 بی تا: ۴۹؛ غفاری، نشوء القرائات، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

### قرائات منطبق بر قرائات سبعة

بر اساس تقسیم بندی قرائت‌ها، اگر قرائتی مطابق با قرائت سبعة یا حتی عشره نبود قرائت  
 شاذ است. قرائات نقل شده از معصومین علیهم‌السلام اگرچه در حجیت متوقف بر تطبیق یا عدم تطبیق  
 بر قرائات سبعة نیست اما در تطبیق یا عدم تطبیق می‌توان ادله یا مویداتی برای تحلیل انتقادی  
 قرائات به دست آورد.

در صورتی که قرائتی از معصوم علیه‌السلام مطابق با قاریان مشهور باشد این احتمال قوی وجود  
 دارد که معصوم علیه‌السلام قرائت جدیدی را بیان نکرده است، بلکه همان قرائتی که میان مردم بوده  
 است را قرائت نموده‌اند. براین اساس قرائت مستقل جدید محسوب نمی‌شود. راوی یا محققین  
 تصور کرده‌اند که معصوم علیه‌السلام قرائت جدیدی را بیان کرده است.

علامه مجلسی (۱۰۷۷) معتقد است قاریان هفت‌گانه یا به طور مستقیم قرائتشان برگرفته و  
 متأثر از قرائت حضرت علی علیه‌السلام است یا با واسطه از حضرت گرفته‌اند. به عنوان نمونه حمزه و  
 کسائی از قاریان هفت‌گانه از حضرت علی علیه‌السلام و ابن عباس، نافع، ابن کثیر و ابوعمر و بیشتر  
 قرائت‌های خودشان را از ابن عباس و ابن عباس نیز از ابی بن کعب و حضرت علی علیه‌السلام اخذ  
 کرده‌اند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۵۲/۸۹). با توجه به این گفتار این احتمال تقویت  
 می‌شود که قرائت‌های معصومین علیهم‌السلام قرائت جدیدی نبوده است.

در آیه ﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾، به معصومین (علیهم‌السلام) نسبت داده شده است که آنان کلمه «مالک» را «ملک» قرائت کرده‌اند. این قرائت مطابق با روایت و قرائت نافع بن عبدالرحمن مدنی و ابن کثیر و ابن عامر و حمزه است (احمد مختار، معجم قرائات القرآنیه، ۱۴۰۸: ۷/۱). این احتمال قوی وجود دارد که این قرائت از ناحیه معصوم (علیهم‌السلام) به عنوان قرائت مستقل نیست و نمی‌تواند فرضیه قرائات منسوب به معصومین (علیهم‌السلام) را اثبات نماید.

### قرائات نقل شده غیر منطبق بر قرائات سبعه

قرائات منقول از معصومین (علیهم‌السلام) در صورتی که با قاریان هفت‌گانه یا ده‌گانه تطبیق نداشته باشد در بیشتر موارد جنبه لفظی دارد. دلیل اعتقادی، فقهی و جنبه‌های دیگر در آن مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر منابعی که این موارد را ثبت کرده‌اند در بیشتر موارد منابع عامه هستند. عامه در اختلاف قرائت به جهت دارا بودن فوائد ادبی به این قرائت‌ها روی آورده‌اند.

دلایلی مانند اختلاف لهجه، قواعد دانش صرف و نحو یا سهو و خطای شنیداری در به وجود آمدن این قرائت‌ها می‌تواند نقش ایفا کند. مانند اعراب کلمه «الحق» در آیه ۱۴۷ سوره بقره که «الحق» قرائت شده است (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲/۳۴؛ نووی، مراح لبید لکشف معنی القرآن الجدید، ۱۴۱۷: ۱/۵۱؛ ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ۱۴۲۲: ۲/۱۳؛ شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۱/۱۷۹؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۱/۲۲۴). زمخشری در توجیه این قرائت آن را بدل از «الحق» در آیه قبل بیان می‌کند (زمخشری، کشف عن غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۱/۲۰۴). یا در آیه ۱۰۰ سوره هود ﴿ذَلِكِ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ﴾؛ «این، از خبرهای آن شهرهاست که آن را بر تو حکایت می‌کنیم. بعضی از آنها [هنوز] بر سر پا هستند و [بعضی] بر باد رفته‌اند»؛ کلمه «قائم» را «قائما» قرائت نموده‌اند (عیاشی، کتاب التفسیر، ۱۳۸۰: ۲/۱۵۹). در حالی که قائم خبر برای منها و کل جمله حال از ضمیر نقصه است. این اختلاف قرائت نه ناظر به دانش کلام و نه ناظر به دانش‌های تاثیرگذار در جامعه اسلامی است.

از موارد اختلاف قرائت که تنها جنبه لفظی دارد می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

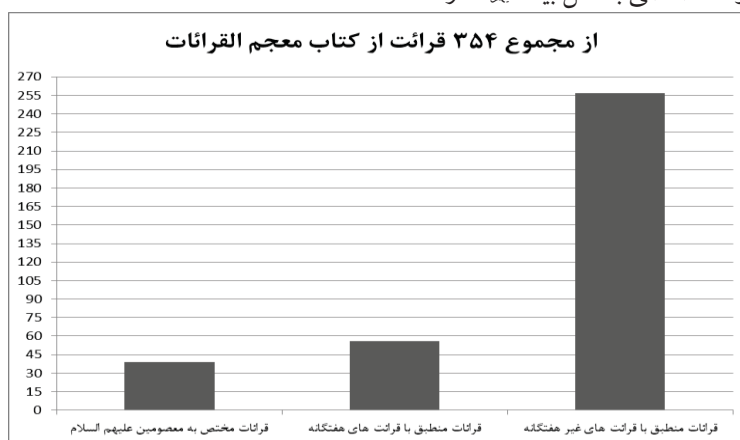
بقره/۱۸۲، ۲۱۵، ۲۵۷ (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲/۶۲۴ - ۱۶۸؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۱/۲۸۹ - ۳۴۵)؛

آل عمران/۱۰ (البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۳/۳۴)؛

نساء/۱۷۲ (نووی، مراح لبید لکشف معنی القرآن الجدید، ۱۴۱۷: ۱/۲۶۴؛ فخرالدین

رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۱/۲۷۳)؛

مائه/ ۴۱ (نووی، مراح لبید لكشف معنى القرآن الجديد، ۱۴۱۷: ۱/ ۲۶۴؛ فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۱/ ۲۷۳)؛  
 انعام/ ۱۴۵ (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۲/ ۳۵۶؛ آبیاری، الموسوعة القرآنیة، ۱۴۰۵: ۵/ ۲۳۸)؛  
 توبه/ ۱۰۸ (ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۳/ ۸۴)؛  
 یونس/ ۶۶ (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۶/ ۸۴؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵: ۶/ ۱۴۵؛ شوکانی، فتح القدیر، ۱۴۱۴: ۵/ ۵۳۳)؛  
 یوسف/ ۴۳ (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/ ۳۶۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶: ۳/ ۱۷۷؛ قمی، تفسیر القمی، ۱۳۶۷: ۱/ ۳۴۵).  
 از مجموع ۳۵۴ قرائت منسوب به معصومین (علیهم السلام) در کتاب معجم القرائات، تنها در حدود ۳۹ روایت و قرائت مخصوص اهل بیت (علیهم السلام) است. این تعداد کم از مجموع قرائات می تواند مویدی برای این فرضیه باشد که قرائات منسوب به معصومین (علیهم السلام) در اکثر موارد روایات مستقل نیستند و اختصاصی به اهل بیت (علیهم السلام) ندارد.



۴. گونه‌شناسی قرائات براساس تأثیرگذاری در معنا

۱۴۰

#### یک - قرائات تأثیرگذار در معنا

در میان قرائات منقول از معصومین (علیهم السلام) مواردی وجود دارد که بیان‌گر معنایی غیر از آن معنایی است که از مصحف کنونی فهمیده می‌شود؛ گویا راوی معنای جدیدی را از آیه مطرح نموده است. این موارد به عنوان تفسیر یا تاویل از جانب معصوم (علیهم السلام) نیست. زیرا تاویل و تفسیر، فرع بر دانستن قرائت است.

به عنوان نمونه به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است که ایشان کلمه ضنین را در آیه شریفه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ (تکویر/ ۲۴)؛ «و او در امر غیب بخیل نیست»؛ «ظنین» قرائت کرده‌اند (حفص بن عمر، جزء فیه قرائات النبی ﷺ، بی تا: ۱۶۸). کلمه «ظنین» به معنای متهم و «ضنین» به معنای بخیل است. معنای آیه شریفه براساس قرائت کنونی قرآن این گونه است: او (پیامبر ﷺ) بخیل بر غیب نیست. اما براساس قرائت منسوب، معنای آیه شریفه این گونه معنا می‌شود: او (پیامبر ﷺ) بر غیب متهم نیست.

#### دو - قرائات غیر تأثیرگذار در معنا

در آیه ۵۱ سوره بقره ﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نَّمُ أَخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾؛ «و آن گاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم آن گاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستم‌کار بودید؛ به امام علی نسبت داده شده است که ایشان اربعین را با مکسور خواندن حرف «باء» قرائت کرده‌اند» (اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۱/۳۲).

لغت مشهور کلمه اربعین همان شکلی است که در قرائت کنونی وجود دارد اما کلمه اربعین از قرائات شاذ و مکسور شدن باء به خاطر تبعیت لفظی است و در معنای آیه تأثیری ندارد و صرفاً تلفظ لهجه است.

#### نتیجه

۱. منشأ بسیاری از اختلاف‌ها در قرائت قرآن رسم الخط ابتدائی در شبه جزیره عربستان بوده است. قرائات نقل شده از معصومین (علیهم‌السلام) نیز از این مشکل مستثنی نبوده‌اند. و تعداد بسیاری از اختلاف در قرائت منشا لفظی دارند.

۲. از مجموع ۳۵۴ قرائت منسوب به معصومین (علیهم‌السلام)، ۱۳ مورد روایت مسند صحیح وجود دارد و تعداد ۳۴۱ روایت غیر مسند یا ضعیف هستند.

۳. از مجموع ۳۵۴ قرائت منسوب به معصومین (علیهم‌السلام)، تقریباً تنها ۳۵ قرائت اختصاص به آنان دارد.

۴. قرائات منسوب به معصومین (علیهم‌السلام) لزوماً به معنای دارای معنای جدیدی نیست، بلکه در مواردی فاقد معنای جدید و صرفاً اختلاف در لهجه است.

## منابع

١. قرآن، ترجمه فولادوند، محمدمهدی، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ١٤١٥ق.
٢. ابن جزری، حافظ ابی الخیر، النشر فی القرائات العشر، بیروت: دار الکتب العربی، بی تا.
٣. ابن جنی، عثمان، الخصائص، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٩٩٩ق.
٤. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، تونس: دار التونسیه، ١٣٩٣ق.
٥. ابن عصفور، علی بن مومن، شرح جمل الزجاجی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
٦. ابن عطیه، اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٢ق.
٧. ابن جزری، محمد بن محمد، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، مکة: دارعالم الفوائد، ١٤١٩ق.
٨. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی، ١٤٢٢ق.
٩. ابوشامه القدسی، شهاب الدین، المرشد الوجیز، بیروت: دارالصادر ١٣٩٥ق.
١٠. آبیاری، ابراهیم، الموسوعة القرآنیة، بیروت: موسسه سجل العرب، ١٤٠٥ق.
١١. احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر، ١٣٩٩ق.
١٢. احمد بن حنبل، المسند، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ١٤١٥ق.



۱۳. احمد مختار و سالم مکرم، معجم قرائات القرآنیه، کویت: مطبوعات جامعه الكويت، ۱۴۰۸ق.
۱۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، قم: آل البيت، بی تا.
۱۵. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه ۱۴۱۵ق.
۱۶. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۷. بابائی، علی اکبر و همکاران، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش.
۱۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت ۱۴۱۶ق.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۰ق.
۲۰. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمان، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
۲۱. بیگدلی دریاری، محمد تقی و نوری، شهلا، قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم‌السلام) در مجمع البیان، مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
۲۲. ترمذی، ابو عیسی، سنن ترمزی، بیروت: دار الرائد العربی، ۱۴۰۱ق.
۲۳. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی ۱۴۱۸ق.
۲۴. ثعلبی، نیشابوری ابو اسحاق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

۲۵. حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دار الکتب الاسلامیه ۱۳۷۷ش.
۲۶. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم: آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۲۷. حفص بن عمر بن عبد العزیز بن صهبان، جزء فیہ قرائات النبی ﷺ، بی نا، بی تا.
۲۸. حلی، علی بن داود، رجال ابن داود، تهران: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. دعاس، قاسم، اعراب القرآن الکریم، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، ۱۴۲۵ق.
۳۰. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۳۱. زمخشری، محمود، کشاف عن غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تهران: شریف رضی، ۱۳۷۶ش
۳۳. سیوطی، جلال الدین، الاقتراح فی اصول النحو، قم: ادب حوزه قم، ۱۳۷۶ش.
۳۴. شبر، سید عبد الله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار البلاغۃ للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ق.
۳۵. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دمشق: بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳۶. شینی میرزا، سهیلا، قرائات اهل بیت ﷺ بیانات، شماره ۴۸، ۱۳۸۴ش.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعہ مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش

۳۹. طباطبائی، سید محمد کاظم، منطق فهم حدیث، قم: موسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، تهران: رضویه، ۱۳۶۴ ش.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۴۴. عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴۶. علاءالدین، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، قم: موسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
۴۷. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران: علمیه، ۱۳۸۰ ش.
۴۸. غفاری، عبد الرسول، نشوء القرائات، قم: دلیل ما، ۱۳۸۸ ش.
۴۹. فخرالدین رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.

۵۳. کشی، رجال کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه، ۱۴۹۰ق.
۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۵۶. مظفری، محمد، الفوائد الرجالیه، قم: علمیه، ۱۴۰۵ق.
۵۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مرکز مدیریت، ۱۳۸۶ش.
۵۸. معرفت، محمد هادی، صیانت القرآن من التحریف، قم: دار القرآن  
الکریم، ۱۴۱۰ق.
۵۹. نجاشی، ابو عباس، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۶۰. نووی، جاوی محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن الجدید، بیروت: دار  
الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق،
۶۱. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک  
جامعه شناسی، تهران: توتیا، ۱۳۶۹ش.